

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست‌های دولت‌های اروپایی در بلوچستان

(۱۳۴۴-۹۰۷ ه.ق)

تألیف

دکتر مریم ابراهیمی

(عضو هیأت علمی دانشگاه جامع علم کاربردی)

سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

۱۳۹۵

سرنشانه	: ابراهیمی، مریم، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست‌های دولت‌های اروپایی در بلوچستان (۱۳۴۴-۹۰۷ ق.) / تألیف مریم ابراهیمی.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۲-۹۸۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۵۴-۱۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: ایران- روابط خارجی- ۹۰۷-۱۳۴۴ ق. ۱۵۰۲-۹۸۵-۱
موضوع	: بلوچستان- روابط خارجی- اروپا Europe- Foreign relations- Baluchistan
موضوع	: اروپا- روابط خارجی- بلوچستان Europe- Foreign relations - Baluchistan
موضوع	: ایران- روابط خارجی- تاریخ Iran- Foreign relations- Europe- History
موضوع	: اروپا- روابط خارجی- ایران- تاریخ Europe- Foreign relations- Iran- History
شناسه خزانه	: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۱۲ الف ۱۴۶ / DSR ۱۳۹
رده‌بندی دی‌سی	: ۳۲۷/۵۵۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۰۲۷۹۴

سیاست‌های دولت‌های اروپایی در بلوچستان (۱۳۴۴-۹۰۷ ق.)

تألیف: مریم ابراهیمی
ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

چاپ: اول- ۱۱۱۵
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۲-۹۸۵-۱

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ه. ش. می‌باشد. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان انتشارات

نشانی سازمان انتشارات: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- خیابان فخررازی- خیابان شهدای ژاندارمری- پلاک ۷۲، تلفن: ۶۶۹۵۲۹۴۸
مرکز پخش:

خیابان انقلاب - بین فلسطین و چهارراه ولیعصر - جنب مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران - تلفن: ۶- ۶۶۴۸۷۶۲۵
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.isba.ir پست الکترونیکی: info@isba.ir فروشگاه اینترنتی: www.Idbook.ir

۵	تقریظ
۹	درآمد
۱۳	مقدمه

فصل اول: رقابت‌های استعمارگران..... ۱۷

۱۷	پرتغال‌ها
۲۲	انگلیس‌ها
۳۰	رقابت‌های معماری انگلیس با هلند
۳۹	رقابت‌های انتخاب با فرانسه
۴۰	رقابت‌های انگلیس و روسیه
۴۷	رقابت‌های سیاسی فرانسه با انگلیس در دوره‌ی ناپلئون
۵۳	رقابت‌های سیاسی انگلیس و روسیه
۶۴	رقابت‌های روسیه و انگلیس و اقدامات آنها قبل از قرارداد ۱۹۰۷
۷۳	تأسیس کنسولگری در جنوب شرقی ایران
۸۲	بلوچستان و قرارداد ۱۹۰۷
۸۳	علل و عوامل قرارداد ۱۹۰۷
۸۸	نتایج قرارداد ۱۹۰۷
۹۰	مسئله قاجاق اسلحه

فصل دوم: بلوچستان در هنگامه جنگ جهانی اول..... ۹۳

۹۳	درآمد
۹۶	حضور دولت‌های درگیر در جنگ جهانی اول
۱۰۲	مأموران آلمانی در ایران
۳۰۱	افزایش کنترل مرزهای جنوب شرقی

۱۱۲.....	کمیته هندی.....
۱۱۳.....	گروه بلوچستان (سوگمایر / زوگمایر).....
۱۱۹.....	همکاری آلمانی ها و بهرام خان بلوچ.....
۱۲۲.....	اقدامات انگلیسی ها علیه آلمان ها در بلوچستان.....
۱۲۴.....	مأموریت ژنرال دایر در بلوچستان.....
۱۳۰.....	درگیری انگلیسی ها با طوایفی از بلوچ ها.....
۱۳۰.....	جنگ لردیک یا جنگ گورستانی، اولین جنگ اسماعیل زهی ها با انگلیسی ها.....
۱۳۲.....	جنگ گلوکان.....
۱۳۸.....	مأموریت ژنرال.....
۱۳۹.....	مأموریت میجر تیر (هیات مکاشه).....
۱۴۳.....	فصل سوم: پیامدهای سیاسی، های بازگرفته شده در دوران جنگ جهانی اول.....
۱۴۳.....	پیامدهای رقابت و فعالیت های آلمانی ها و انگلیسی ها در بلوچستان.....
۱۴۹.....	اوضاع بلوچستان مقارن روی کار آمدن رضاخان.....
۱۵۴.....	منابع و مآخذ.....
۱۶۶.....	منابع لاتین.....

تقریظ

اشراف بر احوال مردمی که در بسیط گسترده‌ی ارضی وطن هم از دیرباز روال زیستی بالنسبه ثابتی داشته‌اند، وظیفه اهل قلمی است که امروز در عرصه‌های تحقیقات علمی قدم می‌زند و توفیق ارتباط با مناطق دورافتاده‌تر وطن را می‌یابد. شاید در قیاس با مردم ما این بیگانگان و خاصه دو دولت استعماری انگلیس و روس بوده باشند که از آغازهای سده‌ی نوزدهم میلادی به اهمیت عظیم سبزه‌زاره برای پیشرفت مطامع خویش پی بردند و مراکزی چون افغانستان و مناطق شرقی‌تر ایران نظیر سیستان و بلوچستان را در اولویت مطالعاتی و شناسایی ارضی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، امثال آن قرار دادند. فی‌الحقیقه در طی تمامی مدتی که تا استقلال هند در سال ۱۹۴۷ به طول انجامید، سالی نبوده است که یک یا دو تن از اهل خبرت و بصیرت کشورهای نامبرده به این نواحی سفر نکند و در کم و کیف امور حیاتی آنها به فحوص و بحث نپردازند. مراد این است که اگر به مصداق:

من و تو غافلیم و ماه و خورشید
بر این گردون گردان نیست غافل

اروپائیانی که از حدود آغازهای سده‌ی شانزدهم میلادی پا در کاب جهانگیری نهادند و به مدد فراست و کیاست خود و نیز غفلت و جهالت مردم نقاط دیگر جهان به جاسوسی‌های دور و دراز دست زدند. از این نقاط پر برکت و قدرتمند و آینده‌ساز نیز چشم‌نپوشیدند و با آن که شرایط زندگی در مناطق صعب‌العبور و سخت طبیعی برای آنان و هیچکس دیگری آسان نبود، به ملاحظات اهداف بلند پروازانه‌ای که در سر داشتند، در گوشه گوشه‌ی ایران رحل اقامت طولانی افکندند و با مراقبت در همه‌ی خصوصیات اقلیمی و عقلی و اخلاقی و مانند آنها به گردآوری آگاهی‌های مفید پرداختند.

این که تعداد جهانگردان، سیاحان، روزنامه‌نگاران، سیاست‌ورزان اقتصاددانان و یا کلیه پژوهشگران غربی در خلال یکی دو قرن اخیر از چهار هزار افزون است - آماري که در آغازهای انقلاب بدست آمد - کنایه از اهمیت‌های چشمگیری دارد که بخش‌های مختلف خاک وطن برای سوداگران غربی داشته است و آنها به مدد همین آگاهی‌های موثق و معتبر، توانسته‌اند تا به امروز در بخش‌های مختلفی از دنیای کنونی حضور جدی داشته باشند.

و با این همه ستودنی است که هموطنان جوان و جدی و جویای ما بخواهند و به میدان آیند و رنج سفرهای مکرر را بر خود هموار کنند تا به بازبینی احوال مردمی که همه از خود آنانند، بپردازند و توانایی‌های ارزشمندشان را در پاسداری هزاران ساله از تمدن و فرهنگی که به نام خودشان ثبت صحایف تاریخ شده است اقدام نمایند.

امروزه در ایران دلی نیست که برای مردم سیستان و بلوچستان نطید و به تعبیر این ضعیف هم‌ولایتی‌ها قهرمان ملی حماسه‌ی هماری ایرانیان، یعنی رستم دستان را نادیده بینگارد و با این حال تعداد کتب حقیقی در مورد اجزای حیات فعال مردمی چنان آزاده و بزرگوار و نجیب در سطحی مقبول عرضه گردد.

به همین سبب است که تلاش‌های بی‌وقفه‌ی سرکار خانم دکتر مریم ابراهیمی را قدر می‌دانم و بر صدر پژوهش‌های روزگار، آن مرشانم، چه که ایشان به سبب آگاهی‌های عمیق و موثقی که از این بخش بالنسبه دورافتاده‌ی عن عزیزمان دارند، تألیفی تدارک دیده‌اند که حقیقتاً در خور خواندن است. دل سوزی‌های عدالت‌جوی که خرد از نزدیک منطقه را می‌شناسد و با خون و گوشت پاک، ناظر بر همه‌ی معضلات و مشکلات بوده، شرایط موجود را درک می‌کند و با اذعان به صعوبت قدم‌هایی که برداشته می‌شود کاری عرضه می‌کند که الحق در خور کمال تحسین است. تواضع ممدوح این بانوی فاضل و لایق این سان بوده که چاپ کتاب را به اکمال امر در فرصت‌های آتی مقرر دارند، در صورتی که اشتیاق شخصی بنده و دیگران کتاب را این است که:

آب‌دیارا اگر توان کشید
هم به قدر میل باید خرید

ایشان به سهولت می‌توانند افزوده‌های لازم را در فرصت‌های متأخر جبران کنند و انشاء الله با رفع نقایصی که خود بهتر درک می‌کنند در مجال‌های موسعی که به یقین فراهم می‌فرمایند در هر چه بهتر کردن متن حاضر بپردازند.

و من الله التوفیق

رضا شعبانی

استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

آذر ماه نود و چهار

«گفتاری اندک از سخنی بسیار»

کتاب حاضر که به همت خانم دکتر مریم ابراهیمی فرهیخته عالی قدر به زیور طبع آراسته شده، بخشی است از دوران پر فراز و نشیب کشور ایران که از دوران صفویه آغاز و در دولت قاجار به اوج می رسد. مهم ترین وقایع این دوره رقابت های استعماری بین انگلستان و روسیه بود.

انگلستان از زمانی که شرکت هند شرقی را ایجاد کرد، به تدریج با عقب راندن دولت هایی نظیر پرتغال، هلند، فرانسه سلطه خود را در هند برقرار کرد. لکن از سال ۱۹۰۲ میلادی که انگلستان تازه از تصرف خریقای حنمبی رها شده بود، با افزایش قدرت روسیه و پیشرفت ارضی آن کشور در آب های آزاد دریای مدیترانه و خلیج فارس که هدف نهایی آن رسیدن به هندوستان مستعمره انگلیس بود، مواجه شد و این طریق مشکلات تازه ای برای انگلیس به وجود آمد. انگلستان که در اروپا با رقبایی مانند آلمان و اتریش مواجه بود؛ برای جلوگیری از پیشرفت روسیه سیاست مسالمت آمیز در پیش گرفت و با تقسیم مناطق که بین روسیه و هند قرار داشت تلاش کرد از پیشرفت این دولت جلوگیری کند. دولت انگلیس عهد شد در شمال ایران ورود نکرده و امتیازی نگیرد و روسیه نیز در جنوب ایران امتیاز نگیرد. نتیجه این شد که پس از مدتی کشمکش سیاسی با این رقیب نیرومند در آسیا که در صدد تسلط بر سرزمین های افغانستان و نهایتاً هند بود، به یک توافق در قالب قرارداد موسوم به ۱۹۰۷ میلادی نائل آیند.

دولت انگلیس از ابتدا همواره از ایران به عنوان دروازه هندوستان بهره می برد و تسلط بر ایران موجبات استمرار تسلط بر هند و دور نگه داشتن روسیه از اراضی مستعمره هند بود. به این دلیل زمانی که مواجه با پیشرفت بیش تر روسیه شد؛ موجبات جدایی میان ایران و افغانستان و تجزیه بخش هایی از مکران و سیستان و بلوچستان که به مثابه منطقه حایل بین ایران و هند محسوب می شد، را فراهم ساخت. این معنا یکی از مقدمات و موجبات قرارداد محرمانه ۱۹۰۷ گردید.

بر اساس این قرارداد محرمانه بین دو دولت روسیه و انگلیس قسمت شمالی ایران شامل شهرهای پرجمعیت و مراکز عمده تجاری از خط فرضی بین قصر شیرین و اصفهان و یزد و خواف و مرز افغانستان جزء منطقه نفوذ روسیه شناخته شد. قسمت جنوبی که دارای ارزش سوق الجیشی برای دفاع از هند بود از خط فرضی بین بندرعباس و کرمان، بیرجند، زابل و مرز

افغانستان جزء مناطق نفوذ انگلستان قرار گرفت. در این میان مابقی سرزمین ایران که فاقد ارزش راهبردی بود، به‌عنوان بخش بی‌طرف به دولت ایران تعلق گرفت.

در سال ۱۹۱۵ میلادی پس از آن که روس‌ها با استفاده از اراضی یادشده به‌سوی اصفهان پیش رانده بودند، انگلستان نیز در جهت مقابل قوای امنیه را برای حفظ مناطق مورد نفوذ خود ایجاد کرد. و چون در این اتفاقات دولت ایران از توافق محرمانه ۱۹۰۷ اطلاع یافته بود، ناچار دو دولت انگلیس و روسیه برای جلوگیری از عدم رضایت ایران متوسل به قرارداد دیگری شدند که به قرارداد ۱۹۱۵ میلادی معروف شد.

به‌موجب این قرارداد جدید مناطقی که قبلاً تحت نفوذ روسیه و انگلیس قرار گرفته بود از میان رفت و ایران را به دو منطقه نفوذ بین خود تقسیم کردند و توافق نمودند روس‌ها در شمال قوای قزاق تشکیل داده و انگلیس هر متقابلاً در جنوب نیروی پلیس جنوب به وجود آورد. مقارن با این تصمیمات و با وقوع انقلاب ۱۲۰۷ اوضاع روسیه به‌کلی دگرگون شد و دولت بلشویکی به‌جای دولت تزاری زمام امور را به دست گرفت و در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ رسماً قرارداد ۱۹۱۵ ملغی گردید. انگلستان به فکر افتاد تمامی کشور ایران را تحت نفوذ خود قرار دهد، و سرانجام در اوت ۱۹۱۹ ایران را به امضای قرارداد منحوس دیگری مجبور ساختند که به‌موجب آن اختیار کلیه امور نظامی و مالی و گمرکی ایران منحصراً به دست مستشاران انگلیسی سپرده شد.

خوشبختانه با تشکیل مجمع اتفاق ملل پس از جنگ جهانی اول این مجمع قراردادهای مذکور را به رسمیت نشناخت و چون در ایران نیز جمعی از آزادیخواهان بر سر مد آن قیام نمودند، عاقبت قرارداد شوم مذکور از میان رفت.

در پژوهش مؤلف به خوبی تأثیر مسائل جهانی بر جنوب شرقی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

احسان اشراقی

آبان ماه نود و پنج

درآمد

از مسائلی که دولت قاجار در تمامی دوران این سلسله با آن درگیر بود، موضوع رقابت دول اروپایی در ایران بر سر هندوستان بود. در واقع ایران میدان جنگ و عرصه رقابت‌های استعماری به خاطر شبه‌قاره‌ی هند بود. در ابتدای سلسله قاجار، هندوستان توسط ناپلئون بناپارت مورد تهدید قرار گرفت. انگلیسی‌ها درصدد برآمدند با هدف جلوگیری از نفوذ فرانسه، مناقشات بین خود و روسیه را پایان بخشند و همچنین جنگ‌های ایران و روسیه را به سرانجام برسانند. پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، و با جدی‌تر شدن مسأله‌ی تهدید هندوستان توسط روس‌ها، انگلیسی‌ها بر آن شدند نقش را جدی‌تر را طراحی کنند. آنان ابتدا می‌خواستند هرات را از ایران جدا ساخته و با واگذاری آن یک کشور دست‌نشانده و تحت‌الحمایه به رهبری آقاخان در افغانستان به وجود آورند که به دلایلی میسر نشد. در نهایت به روش دیگری هرات را از ایران منتزع ساختند. مرزهای جنوب شرقی ایران از جمله بلوچستان از مناطقی بود که می‌توانست برای انگلیسی‌ها خطرآفرین باشند. بنابراین به طرق مختلف درصدد برآمدند حکومت‌های دست‌نشانده را در این منطقه به وجود آورند. در گام نخست به کمک اتحاد محلاتی، در دوره‌ی سلطنت محمد شاه قاجار، شورش‌های سه‌گانه‌ای را در بلوچستان تدارک دیدند تا شاید بتوانند بلوچستان را تجزیه کرده و یک حکومت توسط وی در بلوچستان تشکیل دهند که در این امر جامه عمل نپوشید. مرحله دوم ایجاد یک گروه از سرداران و خوانین بلوچ هوادار در منطقه بود که به بهانه ایجاد خط تلگراف و حفاظت از تیرهای خط تلگراف توسط خوانین بلوچ عملی گردید و گروهی از سرداران و هواداران حقوق‌بگیر از دولت انگلیس در منطقه به‌وجود آمد. با وابستگی کامل این گروه، انگلیسی‌ها درصدد تجزیه بلوچستان از طریق حکمیت برآمدند و با فعالیت‌های مأموران سیاسی پس از برقراری دو کمیسیون سرحدی در یک برهه زمانی بیست و چهار ساله توانستند در دوره‌ی ناصری بلوچستان را بطور کامل تجزیه نمایند. تجزیه بلوچستان اهداف انگلیسی‌ها را

بطور کامل محقق نساخت. چرا که پس از تجزیه بلوچستان، جنبش‌ها و مقاومت‌های مردمی علیه تسلط انگلیسی‌ها در منطقه شکل گرفت و منافع آن کشور را به شدت به خطر انداخت. همزمان با به‌وجود آمدن خیزش‌های طوایف بلوچ، به رهبری سرداران آنها علیه بریتانیا، روس‌ها نیز از این موقعیت استفاده کرده و درصدد نفوذ در منطقه بلوچستان برآمدند. هدف روس‌ها تهدید هندوستان و دستیابی به آب‌های گرم بود. انگلیسی‌ها از این اقدام روس‌ها بیمناک شدند و برای جلوگیری از نفوذ روزافزون آنها در منطقه فعالیت‌های سیاسی و نظامی زیادی را تدارک می‌دیدند و حتی درمید جنگ با روسیه برآمدند که در نهایت طرح جنگ توسط دولت مردان انگلیسی در لندن رد شد و سیاست حل مشکلات فی مابین دو دولت، از طریق مدارا و سازش با دولت روسیه اتخاذ گردید. این رویکرد زمینه عقد قرارداد ۱۹۰۷م را فراهم ساخت. این قرارداد به رقابت‌های استعماری دو قدرت بزرگ در میان روسیه شرقی و جنوب شرقی ایران تقریباً خاتمه بخشید.

یکی از علل این توافق، ظهور سه نیرو قدرتمند به نام آلمان در بود، که منافع هر دو کشور روسیه و انگلیس را به خطر می‌انداخت، بنابراین آنان درصدد برآمدند مشکلات موجود فی مابین را به سرعت برطرف نمایند. انگلیسی‌ها در قرارداد ۱۹۰۷م اساس سیاست خود را بر حفظ شبه قاره‌ی هند و مرزهای جنوب شرق ایران گذاشتند و برای حقوق آن تلاش کردند با واگذاری منطقه وسیعی از خاک ایران به روس‌ها، آنان را از مرزهای جنوب شرقی ایران دور نگه دارند. بنابراین ایران تجزیه، ضربه‌ای اساسی بر استقلال کشور وارد گردید.

تجاوز علنی دو کشور روسیه و انگلیس به ایران، مقاومت‌ها و مخالفت‌هایی را به دنبال داشت. با افزایش تعداد نیروهای انگلیسی به صورت تصاعدی در مرزهای شرقی، قیام‌ها و اغتشاشات بسیاری بر ضد انگلیسی‌ها به‌وجود آمد که نقش آلمانی‌ها در این حوادث حائز اهمیت است. بلوچستان و مرزهای شرقی از سالهای ۱۹۰۷م تا پایان جنگ جهانی اول مطمع نظر آلمانی‌ها واقع گردید. این امر حساسیت مرزهای شرقی را افزون ساخت. دسته‌های مختلفی از مأموران سیاسی و نظامی آلمان به منظور برهم زدن اوضاع افغانستان و هندوستان عازم مرزهای شرقی

ایران شدند. انگلیسی‌ها نیروهای مختلفی را که ترکیبی از سربازان انگلیسی، هندی و ایرانی بودند تحت عنوان «نیروهای کمربند شرقی» ایران شامل نیروی سیستان، نیروی مکران و پلیس جنوب، برای فعالیت‌های گسترده سیاسی و نظامی در قبل از شروع جنگ جهانی و در حین جنگ سازماندهی کردند. پای سرداران بلوچ نیز به این حوادث کشیده شد و نیروی بلوچستان با مرکز فرماندهی کویته هشتم بر چهار لشکر مراقبت از کمربند شرقی ایران از نوشکی در بلوچستان تا مشهد را برعهده گرفتند و به این صورت بلوچستان ایران درگیر جنگ بزرگ جهانی شد. فعالیت آلمان‌ها باعث شد در شبه‌قاره بلوچستان ایران گروه‌هایی با انگیزه‌ی سیاسی، مذهبی و ملی علیه انگلیسی‌ها به وجود آید. فرمان حزب دموکرات ایران، به وجود آمدن کمیته هندی در برلین، شکل‌گیری گروه بلوچستان به رهبری زوگمایر آلمانی باعث به وجود آمدن مخالفت‌ها و مقاومت‌های گسترده‌ای در بلوچستان شد. آلمان‌ها در صدد بودند با متشنج کردن اوضاع ایران، افغانستان و هندوستان نیروهای انگلیسی را در سه جهت درگیر کرده و از اعزام نیروی بیشتر توسط انگلیسی‌ها به جبهه‌های جنگ اروپا جلوگیری کنند. گروه‌های ایرانی با زمان یافته آلمانی که تعداد آنها به یکصد نفر نمی‌رسید موفق شدند گروه‌های چندین هزار نفری از نیروهای روسیه و انگلیس را در ایران مشغول کنند. در نتیجه در دوره‌ی قاجار بلوچستان و مرزهای شرقی ایران اهمیت زیادی پیدا کرد و مرزهای جنوب شرقی ایران ناخواسته وارد سیاست‌های جهانی شد. اهمیت مرزهای شرق و جنوب شرق ایران را می‌توان به سه دوره‌ی کاملاً مجزا تفکیک نمود.

دوره‌ی اول، اهمیتی است که مرزهای شرقی ایران در زمان حکومت و پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار پیدا نمود و علت آن نزدیکی آن به فرانسه و به وجود آمدن روابط سیاسی و نظامی با آن کشور بود. قرارداد فین کنتشتاین که بین ایران و فرانسه منعقد گردید، خطر حضور فرانسویان در ایران را برای انگلیسی‌ها ایجاد کرد. مرزهای هند به صورت جدی مورد تهدید قرار گرفت و انگلیسی‌ها برای خنثی‌سازی و جلوگیری از آن، اقدامات گسترده سیاسی و نظامی به عمل آوردند.

دوره‌ی دوم، پس از جنگ‌های ایران و روسیه و پیروزی‌هایی که روس‌ها به وجود آوردند، نفوذ

آنان در ایران و دربار قاجار افزایش یافت. از این زمان با نزدیک شدن ایرانیان به هرات و جنگ‌های سه‌گانه‌ای که به خاطر استیلا و حاکمیت ایران بر هرات به وجود آمد انگلیسی‌ها درگیر منازعاتی با دولت ایران شدند. آنها در ادعای سیاسی و ارضی ایران بر هرات روس‌ها را دخیل می‌دانستند. بنابراین سیاست تجزیه هرات را پیش کشیدند و آن منطقه را طی عهدنامه پاریس، از ایران منفک و جدا ساختند. از این زمان توجه دولت روسیه به نواحی جنوب شرق ایران معطوف شد که انگلیس از ابتدا با به وجود آوردن دولت‌های دست‌نشانده محلی کلات را از ایران جدا ساخته و سپس با انجام قراردادهای مرزی و حکمیت خویش بلوچستان را تجزیه کردند.

دوره سوم، دوره‌ای است که از تجزیه بلوچستان است که با درگیری‌های انگلیسی‌ها با قبایل بلوچ در دو سوی مرزهای سیاسی آغاز شد و با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م و تقسیم ایران و ورود و فعالیت آلمانی‌ها شدت گرفت و مرزهای شرقی اهمیت ویژه‌ای یافت. این حوادث منجر به درگیری و وارد آمدن خسارات عمده‌ای در بلوچستان و مرزهای جنوب شرقی ایران گردید و دولت مرکزی در خلال این دوره‌ها به دلایل مختلف در شرایط کاملاً احمالی قرار گرفته و عملاً چندان اثر گذار نبود.

مقدمه

در دوره‌ی قاجاریه تحولاتی در اروپا و جهان به‌وقوع پیوست. سرزمین بلوچستان متأثر از این تحولات بخصوص با تصاحب تدریجی شبه‌قاره‌ی هند به‌وسیله‌ی انگلیسی‌ها، ناخواسته در کانون چالش‌ها و درگیری‌های سیاسی و نظامی قدرت‌های جهانی قرار گرفت و در سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای دولت‌ها، بزرگ‌اهمیتی خاص یافت. نوشتار حاضر می‌کوشد چگونگی ورود بلوچستان به سیاست‌های جهانی و تحولات سیاسی اجتماعی را در مناطق مرزهای جنوب شرقی ایران در یک دوره‌ی حدود یکصد و چهل ساله‌ی عصر قاجار با توجه به اهداف و سیاست‌های روس و انگلیس و سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده توسط رجال و سلاطین قاجار در سه بخش مورد بحث و بررسی قرار دهد. با توجه به اهمیت راهبردی هند برای انگلستان و تهدیداتی که از جانب رقبای اروپایی انگلیس متوجه این مستعمره می‌شد، این کشور درصدد برآمد برای حفاظت و صیانت از هندوستان و از بین بردن خطرهای احتمالی جدایی آن، سیاست ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده و تحت‌الحمایه و وابسته در پیرامون هند را از طریق توسعه مناطق نفوذ در پیش گیرد، به همین علت کشور ایران و خصوصاً بخش‌های عمده‌ی ایالت‌های شمال شرقی و جنوب شرقی ایران به صحنه‌ی بازی بزرگ آسیا که همان رقابت بین دو قدرت امپراطوری روسیه و انگلستان بود کشیده شد.

در دوره‌ی اول حکومت فتحعلی‌شاه قاجار رقابت بین دو کشور فرانسه و انگلیس باعث بروز مسائلی در ایران و منطقه شد و در دوره‌ی دوم با از بین رفتن تهدیدات فرانسه، رقابت‌های روسیه و انگلیس به‌ویژه پس از عهدنامه ترکمنچای و در پیش گرفتن سیاست توسعه نفوذ در پیشروی از شرق دریای خزر توسط روسیه، علنی گردید. تداوم سیاست روسیه، دستیابی به هندوستان و آب‌های آزاد را محقق می‌ساخت. دولت انگلستان در مقابل این تهدیدات با اتخاذ سیاست تحت‌الحمایه ساختن و توسعه‌ی نفوذ در سرزمین‌هایی که مانع تحقق سیاست روسیه در مسیر

حصول و دستیابی به هندوستان می‌گردید، مداخلات مستمر خود را به منطقه شرقی ایران و خصوصاً جنوب شرق و بلوچستان از دوره‌ی فتح‌علی‌شاه قاجار با بهره‌گیری از ضعف حاکمیت دولت مرکزی بر این مناطق، معطوف گردانید.

سیاست‌های حکومت قاجار در این مناطق غالباً سیاست کارآمدی نبود، به رغم آنکه با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بود، عملاً اعمال حاکمیت دولت مرکزی ایران بر بخش‌هایی از این مناطق را با موانع و دشواری‌های بسیار روبرو می‌کرد. درگیری‌های توأمان نیروهای دولتی با قدرت‌ها و راداران محلی و چگونگی برخورد شاهان قاجار و سیاست‌های به کار گرفته شده آنان با قدرت‌های محال در مناطق جنوب شرقی ایران و یا بلوچستان و گسست مناطق وسیعی از آنجا بطور تدریجی از منوالات مورد نظر این نوشتار است، مسأله حکمیت گلد اسمید در تعیین مرزهای جنوب شرق ایران در دوره‌ی قاجاری، دخالت‌ها و اهداف انگلیسی‌ها در تجزیه بلوچستان در واکنش به سیاست‌های روسیه در شرق، درگیری‌ها و پیامدهای سیاسی و اجتماعی جدایی بلوچستان غربی از دیگر موضوعات مورد بررسی است.

قرارداد ۱۹۰۷ و دخالت‌ها و اقدامات دولت‌های ایران، بلوچستان در دوران جنگ جهانی اول، درگیری انگلیسی‌ها با سرداران بلوچ و صاحبان قدرت محلی، نقش آلمان‌ها و اقدامات سیاسی و نظامی آنان تا فروپاشی سلسله قاجار از نکات مهم و قابل توجهی است که تلاش شده است در این کتاب مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

بژوهش حاضر تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه‌ی مرزی بلوچستان در جنوب شرقی ایران با تکیه بر نقش قدرت‌ها خصوصاً روسیه و انگلستان را بررسی می‌کند. نخست تحولات این منطقه با نگاهی به اوضاع کلی دوره‌ی صفویه، افشاریه و زندیه به اختصار مورد ملاحظه قرار گرفته و سپس از آغاز دوره‌ی قاجار، به تفصیل حوادث، تحولات و سیاست‌های به کار گرفته شده مرتبط با این منطقه، از سوی دولت مرکزی ایران و دولت‌های روس و انگلیس در یک دوره‌ی حدود یکصد و چهل سال مورد بررسی قرار می‌دهد.

علت انتخاب این مقطع تاریخی، تحولات مهمی است که در این دوره از تاریخ بلوچستان در نتیجه‌ی شرایط خاص جهانی و منطقه‌ای و سیاست‌های بکار گرفته شده توسط بازیگران رخ داده و بلوچستان را که تا آغاز دوره‌ی قاجاری کمتر در تحولات منطقه‌ای و جهانی نقش داشت ناخواسته وارد سیاست‌های جهانی نمود و سرانجام منجر به تجزیه بلوچستان و منشاء تحولات جدیدی در منطقه گردید.

www.ketab.ir